

هنرهای تجسمی

اسکیمی زبان از یادرفته

دکتر هادی مزاولی



اسلیمی یا «آرابسک»^۱ نوعی روش تزئین سطح یا زمینه در هنرهای کاربردی یا هنرهای دستی و نقاشی است و در آن از شکل به هم بافته غنچه و گل و شاخ و برگ گیله‌هایی که در کتب اسلامی از آنها نام برده شده و بنام گیاهان بهشتی نامیده می‌شود، استفاده می‌گردد. گیاهانی چون: خرما^۲، انگور^۳، انار^۴ که در اثر ابتکار و تخیل نسلهای متعدد هنرمندان و در طی قرنهای متمادی در نزد ملل مختلف عالم تغییر شکل داده‌اند و به اشکال انتزاعی و یا تجریدی آنها تبدیل شده‌اند و گاه این تغییر شکل آنان را به صورت حیواناتی چون: ماهی، عقاب، خرگوش، اردک، خرس و روباه نزدیک کرده است و یا شکل تجریدی این حیوانات مستقلاً یا مجموعاً در لابلای منحنی‌های موزون اسلیمی با حال و هوای گوناگون گنجانده شده است.

نقوش اسلیمی قبل از اسلام در هنرهای ملل مختلف به ویژه هنرهای ایرانی به کار می‌رفته است ولی صور متنوع و پیشرفته آن از قرن چهارم هجری به بعد در کشورهای اسلامی دیده می‌شود و نام اسلیمی آن نیز از اسلام گرفته شده و به زبانهای لاتین به آنها طرحهای عربی یا آرابسک می‌گویند.

نقوش اسلیمی در کاشیکاری، خاتم کاری، تزئین سطوح، فلزکاری، تزئین کتابها، نقش پارچه و قالیبافی همراه با نقوش گل و بته که ختائی نامیده می‌شوند به کار می‌رفته‌اند. در اشکال ختائی بیشتر از برگ مو یا گل آلاله آبی (که در اکثر هنرهای باستانی در کشورهای مختلف از مصر قدیم تا چین قدیم به عنوان گلی مقدس کاربرد تزئینی داشته است)^۵ و گل سرخ

یا گل انار الهام گرفته شده است و عموماً تصویر کلی آنها گرد یا بیضوی است ولی نقوش اسلیمی حرکتی نرم و سیال دارد که نگاه بیننده را شادمانه به حرکت و سکون در سراسر سطح تزئین شده وامی‌دارد.

نگاه تماشاگر در هیچ جا ثابت نمی‌ماند و در همه جا سیر می‌کند، از حاشیه به درون طرح و از درون به برون. گاه کنگره برگها از سرعت دیدن او می‌کاهند و گاه گره‌ها ابرها و فرمهای حلزونی اسلیمی آن را به چرخش وامی‌دارد. گاه حرکت سریع بندهای اسلیمی نگاه را به دوران می‌گیرد و گاه گل اسلیمی چون دهان اژدهائی او را به خود مشغول می‌کند. در اثر این نوع حرکات تند و کند در رنگهای شاداب و شکلهای آشنا و سطحهای زیر و زبر است که بعضی می‌گویند هدف از اینگونه تزئین در سطح قالی یا کاشی ایجاد باغی است در سطح خشک معماری و یا در کف اطاق منزل، باغی که با خطوط سیال و با نشانهای از میوه‌ها و گیاهان آشنا، نوید باغهای بهشت را بدهد.

هر چه هست فلسفه القاء شده از این فضاهاى تزئینی امروز چون زبان گمشده‌ای باید مورد مطالعه متخصصین هنری کشورهای مختلف اسلامی قرار بگیرد.

در دنیای اسلام، اولین هنر— هنر اصلی — همان خطاطی است.^۶ کمتر خطی است که آهنگ و طنین و زیبایی کلام خود را به صورت نوشته چون خطوط عربی (اسلامی) نشان دهد. به نظر می‌آید که طنین و صوت زبان عربی را از لابلای خطوط متنوع، محکم و زیبای عربی، فقط با دیدن حس می‌کنیم.^۷ در تکامل این



- نقوش شبه اسلیمی در حاشیه ظرف نقره حکاکی شده و طلاکاری شده. از دوره ساسانیان - موزه ارمیتاژ، لنین گراد

سرسوره‌ها، حاشیه‌ها و صفحات قرآن کریم استفاده می‌شود.

قالیبافان قدیمی عقیده دارند که طرح اولیه اسلیمی به دست حضرت امیر(ع) کشیده شده است و نقل می‌کنند که: «حضرت علی(ع) روزی نقاشان را احضار کردند و فرمودند چون نقش کردن موجودات جاندار دعوی برابری با خالق است، خالی از اشکال نیست خود دایره مواجی با شاخه‌های موزون و پر پیچ و خم نقش

خط، چون طرح‌های اسلیمی هنرمندان همه کشورهای اسلامی هر یک به نوعی در تنوع آن کوشیده‌اند. خط عربی اولین عامل مشترک و هماهنگ کننده هنرهای اسلامی در تمام دنیای اسلام است^۸. پس از آن طرح‌های اسلیمی است که از اسپانیا تا چین، به صور مختلف و در هنرهای مختلف ظاهر شده است. کاربرد این طرح‌ها به اندازه‌ای مورد پشتیبانی مردم و علمای دینی قرار گرفته است که از آنها برای تزئین



— نقوش اسلیمی در وسط کاسه لعابداری از نیشابور، قرن سوم هجری

درست می نماید و متمسک بدین اند که در نقوش اقلام کرامت نظام آن حضرت که به تذهیب ایشان مزین است به رأی العین مشاهده نموده اند که قلمی فرموده اند کتبه و ذهبه علی بن ابیطالب و حکایتی در این معنی به حلیه نظم آمده:

منظومه

شنیدم که صورنگران خنای
نخستین که گشتند صورت گشای

کرد که همان طرح اسلیمی باشد و این نقش اساس کار نقاشان اسلامی قرار گرفت.^۹

و این معنی را قاضی میراحمد منشی قمی در گلستان هنر که در حدود سال ۱۰۰۰ هجری قمری تألیف کرده است چنین آورده است:

... و چون چهره گشایان پیکر این فن بدیع
اثر نسبت هنر را نیز به قلم معجز رقم شمسه
خمسه آل عبا علی المجتبی الرضی المرتضی
و وصی المصطفی صلوات الله و سلامه علیه

به خون جگر رنگی آمیختند
 مثال از گل و لاله انگیختند
 چو مو گشته باریک از آن آرزوی
 بی موشکافی قلمشان زموی
 ز گلها یکی صفحه آراستند
 به آئین وزیبی که خود خواستند
 نهادند از آن روختایش نام
 که کلک ختائی از او یافت کام
 چو دور نبوت به احمد (ص) رسید
 قلم بر سر دیگر ادیان کشید
 خطا پیشگان ختائی نژاد
 نمودند نقش نخستین سواد
 به دعوی یکی صفحه آراستند
 نظیرش ز شاه رسل خواستند
 به از نقش آراسته یک وزق
 که بر کرده از لاله و گل طبق
 بردندش از عین کافر دلی
 به دعوی سوی شاه مردان علی (ع)
 چو شاه ولایت بدید آن رقم
 به اعجاز بگرفت در دست قلم
 رقم کرد اسلامی دلربای
 که شد حیرت افزای اهل ختای
 چو آن اصل افتاد در دستشان
 بشد نقشهای دگر بستشان^{۱۱}

ریشه طرحهای اسلیمی را بعضی از ایران و یا
 عده دیگر آن را نیز مثل چیزهای دیگر از یونان
 می دانند^{۱۱} ولی سابقه آن را می توان با قدمت
 تمدن بشر در خاور میانه برابر دانست. بعضی از
 طرحهای اسلیمی اولیه در مصر قدیم و یونان به
 اشکال طبیعی گیاهان نزدیکتر بود و در ترکیب
 آنها از شکل بدن حیوانات و پرندگان و یا انسان
 استفاده می شد، در ایران باستان خصوصاً دوره
 ساسانیان طرحهای اسلیمی از حرکت و نرمش

کمتری برخوردار بوده و به طرحهای هندسی
 نزدیکتر اند.

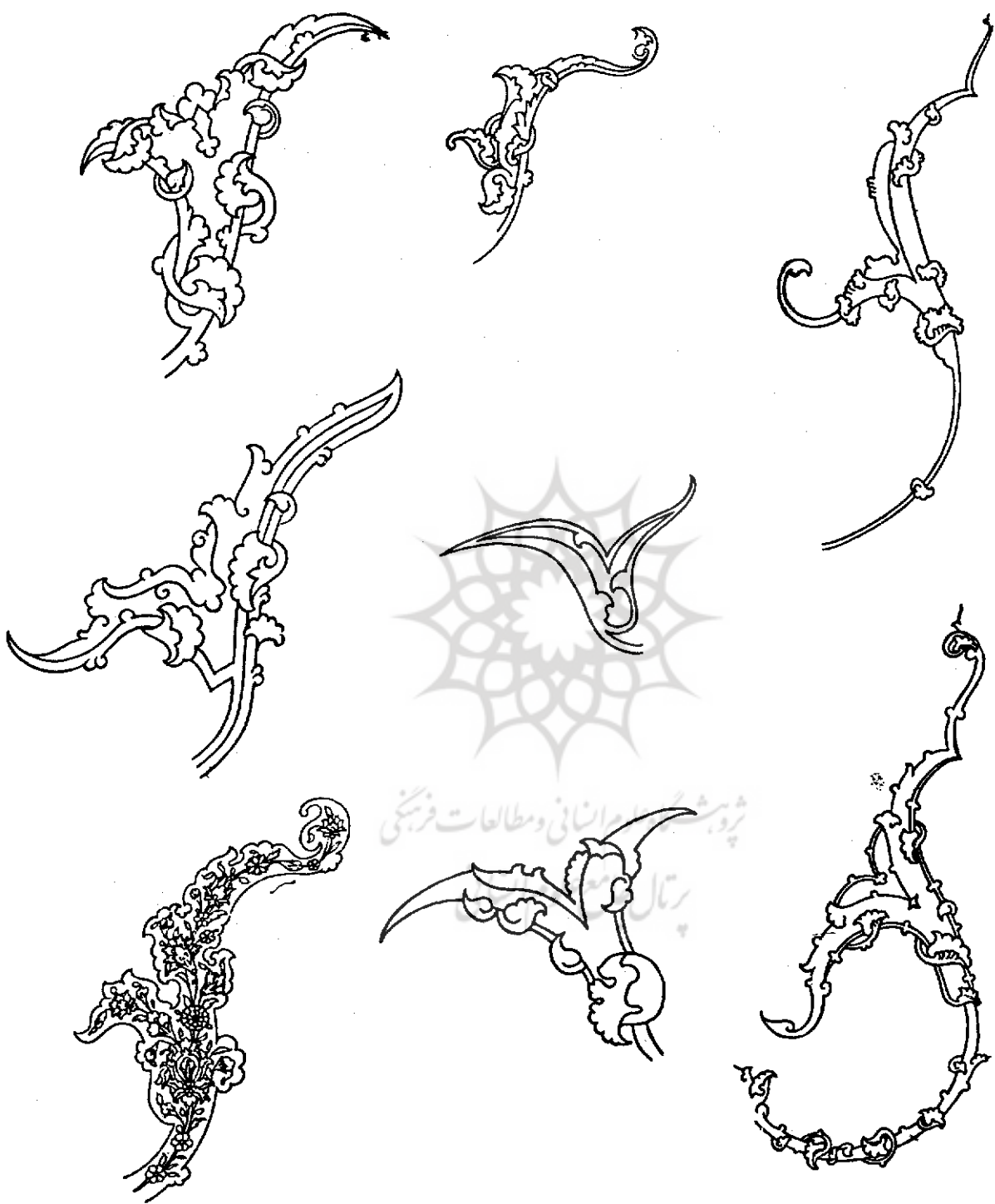
در صدر اسلام از کاربرد طرحها و نقشهای
 اسلیمی نمونه ای در دست نداریم ولی در این زمان
 نشانه هایی از این طرحها در کشورهای شرقی آسیا
 مثل: هند، چین و ژاپن دیده می شود. در قرن
 چهارم هجری تزئین با اسلیمی توسط هنرمندان
 مسلمان رایج شد. در تزئین کتب، نقاشی،
 قالیبافی و کاشی سازی این کار به مرحله بسیار
 پیشرفته ای رسید. کم کم این طرز تزئین به اروپا
 رسید. به عنوان نشانه ای از هنر مسلمانان مورد
 تقلید قرار گرفت و بنام شیوه عربی (آرابسک) در
 تزئین اثاثیه منزل، فلزکاری، کاشی سازی،
 تزئین کتب و تزئینات معماری به کار می رفت.
 در اروپا گاه از فرم بدن انسان و حیوانات در
 اسلیمی استفاده می شد و گاه فقط به شکل
 تجریدی (آبستره) خطوط سیال اکتفا گردید.

در دوره رنسانس (از قرن نهم تا یازدهم
 هجری) یا دوره شروع حیات فرهنگی کشورهای
 غرب از طرحهای اسلیمی برای تزئین سردرهای
 سنگی و گچ ببری به صورت متقارن با
 ریزه کاریهای فراوان استفاده می شد. هنرمندی
 چون جولیبور و مانو^{۱۲} شاگرد رفائیل^{۱۳} نقاش
 معروف ایتالیائی، طرح نقوش آرابسک
 در سنگتراشیهای واتیکان شد.

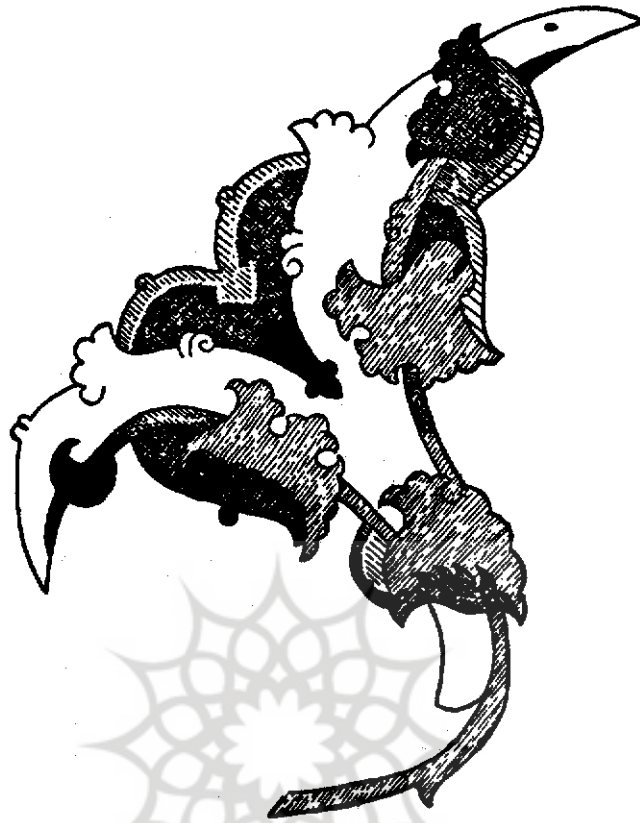
پس از دوره رنسانس بیشتر از برگهای مو،
 روبانهای موج و حیواناتی شبیه ماهی و روباه،
 گلهای ریز و درشت و فرم بدن انسان در آرابسک
 به کار رفت. در دوره باروک^{۱۴} (قرن دوازدهم تا
 سیزدهم هجری) به طرحهای آرابسک توجه زیاد
 نشد. تا قرن هیجدهم پس از کشف آرابسکهای

— نقوش اسلامی در سایه بان و قالی از نقاشی کتاب خمسه نظامی قرن یازدهم هجری موزئ مئرو پوئئئن نیو یورک

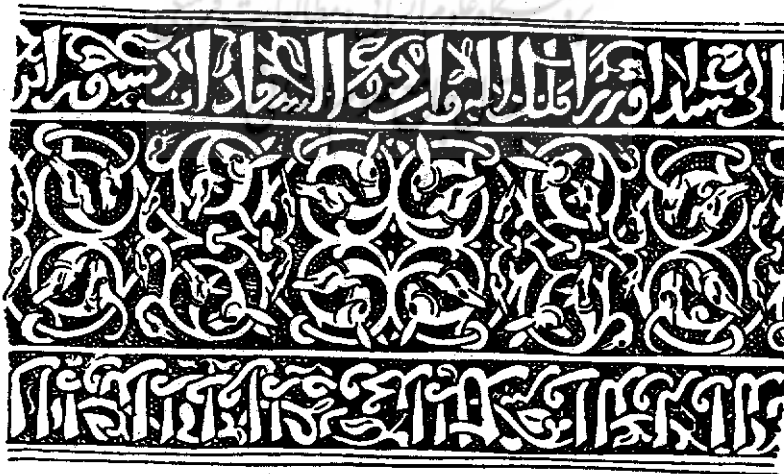




انواع اسلیمی



گل اسلیمی با تزیینات فراوان



نقوش اسلیمی با سر حیوانات از قلمدان برنزی، نقره کوب و مس کوب شده سال ۶۰۷ هجری قمری. گالری هنری فریر- واشینگتن



نقوش ایلیمی معراب گجبری شده - آموزده ابراهیم و بیسی محلات بالا - سال ۷۰۰ هجری قمری

شهر «پمپی»^{۱۵} کاربرد آرابسک رونق یافت. امروز بایورش هنرمردن در کشورهای اروپائی کاربرد آن تقریباً از یادها رفته است.

دوران اوج طرحهای اسلیمی در هنر تزئینی در اسپانیا در زمان سلطه مسلمین (از قرن هشتم تا ابتدای قرن ۱۶ میلادی) بوده است. هر چند اکثر قریب باتفاق آثار مسلمین که در سراسر کشور اسپانیا، قسمتی از فرانسه و جنوب ایتالیا به صورت مسجد و مدرسه و قلعه و قصر وجود داشته، بکلی ویران شده با خاک یکسان گردید^{۱۶} ولی تنها در قصر «الحمراء» در گرانا^{۱۷} (غرناطه) و

قلعه «القصر» در سوویل^{۱۸} انواع آرابسک یا فرمهای اسلیمی که به حد اعلای زیبایی خود از نظر فرم و ترکیب رسیده اند دیده می شود. در ایران دوره اوج کاربرد اسلیمی در دوران سلجوقی (قرن پنجم و ششم هجری) و دوران صفوی (قرن دهم تا دوازدهم) است. هنرمندان ایرانی در این زمانها ابداعات و تشبعتات بدیعی در طرحهای اسلیمی به وجود آورده اند که آثار آن به صورت گچ بری، کاشیکاری و آجرکاری در مساجد (که در حقیقت موزه هنرهای اسلامی هستند) و نیز در تذهیب کتب و به ویژه مسکوکات و صنایع فلزی دیگر دیده می شوند.

تذهیب یا طلا کاری کتابها اصطلاح غلطی است که امروزه کار طراحی خطوط اسلیمی و ختائی داده می شود. در آتلیه ها یا کارگاههای هنری محلی یا درباری در دورانهای گذشته خط و نقاشی همراه با یادگیری نقوش اسلامی (نقوش هندسی و اسلیمی و ختائی) با هم تدریس می شده است و نقاشان خود مذهب و گاه از خط خوش و طبع روان و ایمان پاک مذهبی برخوردار بوده اند و این معنا را از آثار باقیمانده از آنان می توان استنباط نمود.

کارهای نقاشانی چون: کمال الدین بهزاد، قاسم علی، سلطان محمد، میرسیدعلی و آقا میرک هر چند همیشه به موضوع مذهبی در نقاشی نپرداخته اند ولی طرز اجرای کار، الهام آنان و خضوع و قناعت و پاکدلی و تمجیدی که از عالم هستی در کار آنان هست خود نشان دهنده ایمان پاک آنان است.

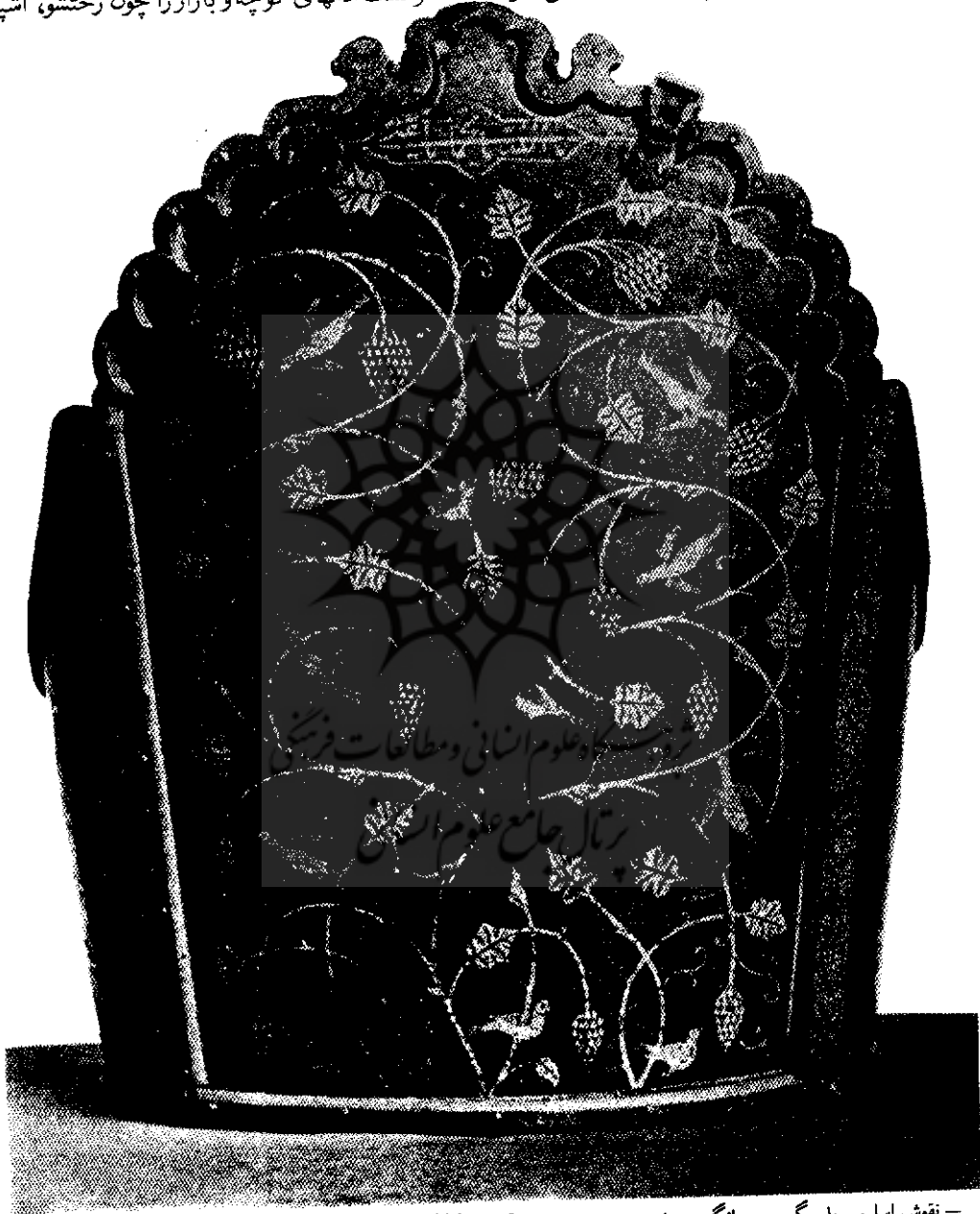
در کارهای این نقاشان نقوش اسلیمی در دیوارها، طرحهای قالیها، چادرها، لباسها با



دو نوع اسلیمی از قالی تبریز.

ابداعاتی در طراحی نقوش کاشی و قالی نموده که سرمشق کاشی سازان یا طراحان قالی گردیده و از آن جمله است: کمال الدین بهزاد نقاش اواخر دوره تیموری و اوایل دوره صفوی که توانست آدمهای کوچک و بازار را چون رختشو، آشپز،

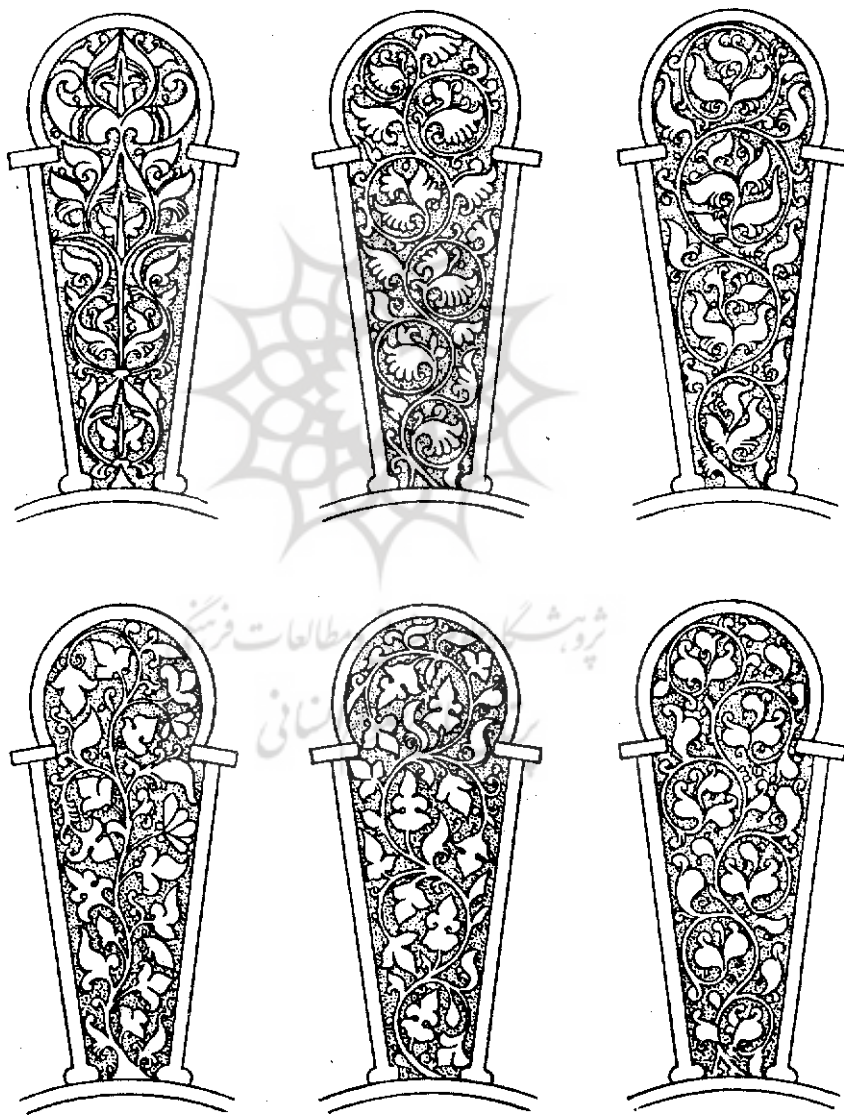
نوآوریهای ویژه به کار برده شده است و به این ترتیب سطح بیروح و صاف تصویر قالیها، دیوارها، چادرها و لباسها مزین به انواع و اقسام اسلیمی ها و ختائی ها با رنگها و جلوه های متفاوت شده است. و چه بسا که نقاش خود



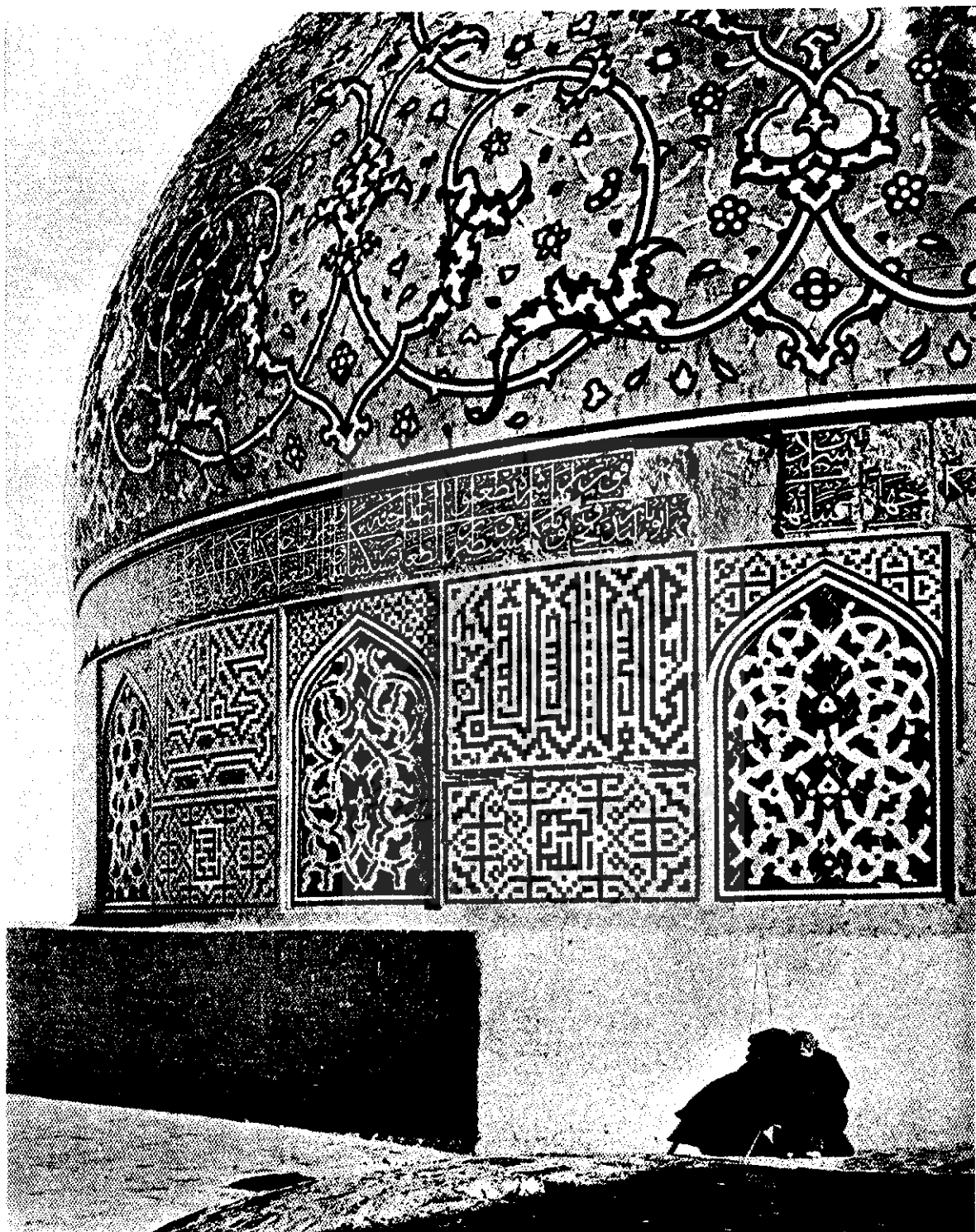
— نقوش اسلیمی با برگ و میوه انگور صفحه سینه بند، در ۵ قسمت اوایل قرن یازدهم هجری، موزه هنر اسلامی، برلین

نقاش اوایل صفوی (متوفی به سال ۹۴۰ یا ۹۳۳ هجری قمری) شاگرد مظفر علی در کتاب قانون الصور در باره نقوش تذهیب و اسلیمی چنین می فرماید:

بنا، چوپان، نانوا و حتی گورکن و گدا را در نقاشیهای خود جا دهد و طرحها و غنچه های اسلیمی ازردی را که بعدها توسط قالیبافان شمالغربی ایران مورد تأیید قرار گرفت در کارهایش مورد استفاده قرار دهد. صادقی بیک



— انواع اسلیمی در ظروف برنزی اواخر دوره ساسانیان. موزه برلین.



— نقوش اسلیمی گنبد مسجد شیخ لطف الله اصفهان —

ز نقاشی چو خواهی کام یابی
 گشایم بر تراز هر سوی بایی
 اگر امداد طبعت کار ساز است
 تصوف را در او دست دراز است
 ولی جز ممت نبود اصل این کار
 چه گویم ز آنکه دارد فرع بسیار
 چنین کرد اوستادم رهنمائی
 که هست اسلامی و دیگر ختائی
 ز ابر ۲۰ و واق ۲۱ اگر آگاه باشی
 چونیلوفر فرنگی خواه باشی
 مکن از بند روی هم فراموش
 کنی چون اسم هر یک جای در گوش
 چو اصل کار دانستی در این کار
 نگردد بر تو فرع کار دشوار
 رقم سازی چو از هر اصل معلوم
 مساوی بایدت هم برگ و هم بوم
 به گل‌های مدور باش سراسر
 که پرگاریش سازی بی کم و کاست
 بود با ازک بیجان بسته آنها
 ز بیچک کن قیاس رسمانها
 به طرح کار مستعجل نباشی
 ز جوش رسمان غافل نباشی ۲۲

قاسم علی شاگرد بهزاد نیز از روش استاد
 خود تبعیت کرد و اسلیمی‌های دو قلو از ابداعات
 اوست که بعدها در قالبها و کاشیکارها به ویژه
 در حواشی آنها به کار رفت.

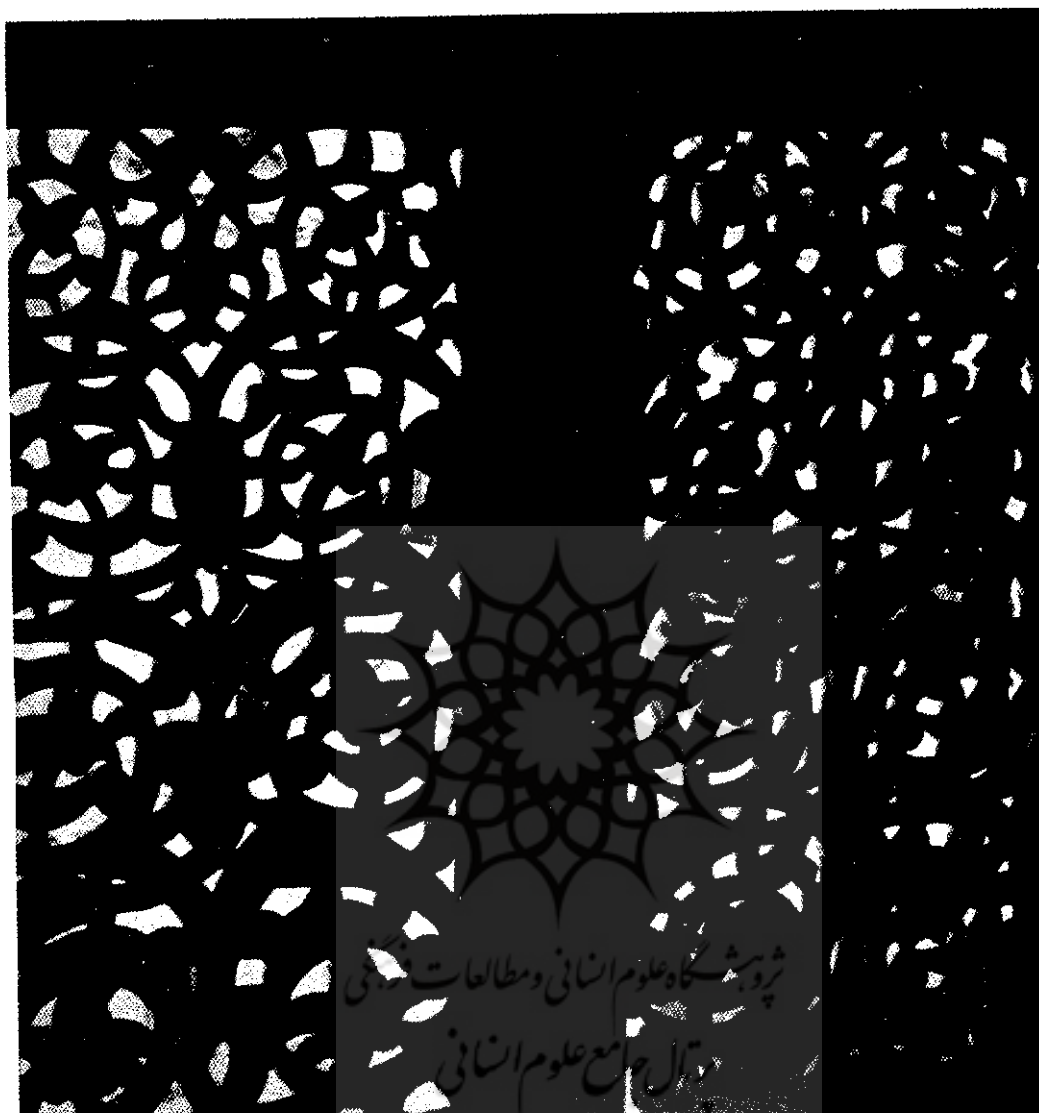
بزرگترین نقاش دوران صفوی سلطان محمد
 که خود استاد نقوش قالبی بود با به کار بردن
 طرحها و نقوش اسلیمی و ختائی به حالت
 روحانی کارهای ممتاز خود افزود.

شیخ زاده با به کار بردن شکل ابرها و ساقه
 پیچ در پیچ مو طرحهای جدیدی بوجود آورد.
 شریف الدین علی یزدی نیز چون سلطان محمد

استاد در طرحهای قالبی و کاشی بود. این استاد
 در نقاشی ای که برای کتاب ظفرنامه کشیده
 است و اکنون در کتابخانه گلستان تهران ضبط
 است یک قالبی کامل را با تمام ریزه کارها و
 ظرافت آن در این صحنه نشان داده است، در این
 قالبی ترنج مرکزی دارای اسلیمی‌های اژدری و
 حاشیه اشکال ابری و اسلیمی‌های مار پیچی در
 اندازه بسیار کوچک و با وضوح طراحی و
 رنگ آمیزی شده است. از استادان مشهور دوره
 صفوی هم استاد محمدی است که به طور مستقیم
 و غیر مستقیم در طرح اسلیمی و طرحهای مختلف
 قالبی و کاشی دست داشته است. حیوانات و
 انسانهایی که به صورت شکارچی در لابلای
 اسلیمی‌ها و گل و بته‌های ختائی مشغول گشت
 و گذار هستند شبیه کارهای اوست.

میر سید علی شاید آخرین استاد نقاشی باشد
 که در دوره صفوی استاد طرحهای اسلیمی و
 نقوش قالبی و کاشی بوده است. او در یک
 مینیاتور پنج طرح مختلف با اسلیمی‌های متفاوت
 برای قالبی، کاشی و چادر خیمه طراحی و نقاشی
 کرده است. طرحهای اسلیمی او در هر یک از
 این آثار با دیگری فرق دارد و در عین حال همراه
 با فضای نقاشی و سایر شخصیتها و اشیائی که در
 نقاشی نشان داده شده‌اند هماهنگی دارند. ۲۳

از استادان معاصر که در طرح کاشی و قالبی
 تخصص داشتند باید مرحوم محمدرضا امامی
 و مرحوم حسین اسلامیان را نام برد. آقای هادی
 اقدسیه و آقای باقری (برای مدت کوتاهی استاد
 نگارنده بوده‌اند) از استادانی هستند که سالها به
 تدریس این رشته از هنرهای ایرانی مشغول
 بوده‌اند.



نقوش اسلیمی حجاری در ماسه سنگ پنجره در مدرسه ومقبره امیرسالار مصر

مهارت و شیفتگی نقاشان به اشکال اسلیمی چنان بود که آنها ترکیب (کمپوزیسیون) اشخاص و اشیاء را در نقاشی خود با استفاده از اشکال موزون و دایره وار اسلیمی تنظیم وترکیب می کردند.

به عبارت دیگر می توان کمپوزیسیون نقاشی آنها را بر مبنای حرکات و نسبتهای اسلیمی

آقای عیسی بهادری، رئیس سابق هنرستان اصفهان را باید بزرگترین هنرمند نقوش قالی و کاشی دانست. متاسفانه نگارنده نتوانست در تنظیم این مقاله از راهنمایی های ایشان سود جوید.

ترکیب (کمپوزیسیون) از روی فرمهای اسلیمی

دانست و شاید به علت تمرین چند ساله در ترسیم این اشکال ناخودآگاه ترکیب از این فرمهای سیال پیروی کرده است.

چرخش دایره‌ای و خطوط منحنی در اسلیمی.

بوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ هجری) مربع و دایره را کلید فهم نظریه خود در باره کائنات می‌داند. به نظر او دایره تداوم حرکت را بیان می‌کند و نگاه در مسیر محیط آن به سهولت حرکت می‌کند در صورتیکه مربع حرکت کنترل شده خط مستقیمی است که در سه نقطه، سه بار ۹۰ درجه تغییر جهت داده است. بوعلی دایره را آسمانی (هوائی) گرم و مرطوب و مربع را زمینی (خاکی) سرد و خشک می‌داند.

واسیلی کاندینسکی^{۲۶} (۱۸۶۶-۱۹۴۴ میلادی) خط مستقیم را تولد می‌نامد (تولد خطی که ممکن است در اثر رشد و حرکت سطح و حجم را به وجود آورد) و خط زاویه دار و مربع را جوانی و خط منحنی و دایره را بلوغ و حد عالی تکامل خط می‌داند.

کاندینسکی مثلث را به علت وجود سه زاویه تیز با دایره که سطح ملایم و گرد دارد در منتهای تضاد سطح (کنتراست)^{۲۷} می‌بیند و معتقد است که این تضاد بین دایره و مربع ملایم‌تر شده است. آیزنشتاین^{۲۸} کارگردان بزرگ سینما نظریات کاندینسکی را شخصی و گنگ می‌خواند و معتقد است که با تمام سعی و کوششی که شده نمی‌توان آنها را به عنوان یک اصل علمی پذیرفت و هیچ دلیل قاطعی برای این کار نیست، اگر آیزنشتاین امروز زنده بود می‌دید که روانشناسی گشتالت^{۲۹} با دلایل علمی به کارهای کاندینسکی با اعتقاد بیشتری می‌نگرد.

تبدیل مربع به دایره با ازدیاد گوشه‌ها صورت پذیر است یعنی: مربع به ۵ ضلعی سپس ۶ ضلعی و... و بالاخره می‌توان به دایره تبدیل شود و دایره با نقشهای اسلیمی به حرکت مجازی سطح تبدیل می‌شود.

برخی از اسلیمی‌ها از شکل مستطیل‌هایی که نسبت طول به عرض آنها نسبت ایده‌آل یا نسبت طلایی است به وجود می‌آیند و به بهترین وضع، زیبایی چرخش، پیچش و رویش خود را نمایان می‌سازند. این نسبت در این مستطیل‌ها برابر با $\frac{1}{\sqrt{3}}$ یا $\frac{1}{\sqrt{4}}$ - $\frac{1}{\sqrt{5}}$ - $\frac{1}{\sqrt{6}}$ و غیره می‌باشد^{۳۰}

از خط فارسی یا نقوش هندسی در هنرهای اسلامی، خطوط اسلیمی و ختائی و نسبتهای معماری کم و بیش از این نسبتها تبعیت نموده‌اند. در ارو پا این تناسبات بنام لئوناردو اهل پیزا - ایتالیایی - که ریاضیدان بود و اسم مستعارش فیبوناچی بود مشهور است و او بود که به این رموز از طریق مطالعه کتب ریاضی و عربی قرون وسطی پی برده بود^{۳۱} نقاشان و معماران ارو پائی از زمان لئوناردو داوینچی^{۳۲} (۱۵۱۹-۱۴۵۲ میلادی) که خود شیفته کاربرد ریاضی و هندسه در هنر بود تا لوکور بوزیه (۱۹۶۵-۱۸۸۷ میلادی)^{۳۳} و جورج سورا^{۳۴} (۱۸۹۱-۱۸۵۹ میلادی) از این نسبتها در کارهای معماری و نقاشی خود آگاهانه استفاده می‌نمودند. مدرسین مدرسه هنری باوهاوس^{۳۵} در آلمان، در اوایل قرن بیستم به تحقیقات دامنه‌داری در باره نسبتهای طلایی دست زدند ولی در نسبت دادن آن به فیبوناچی هیچگاه تردیدی به خود راه نداده‌اند.

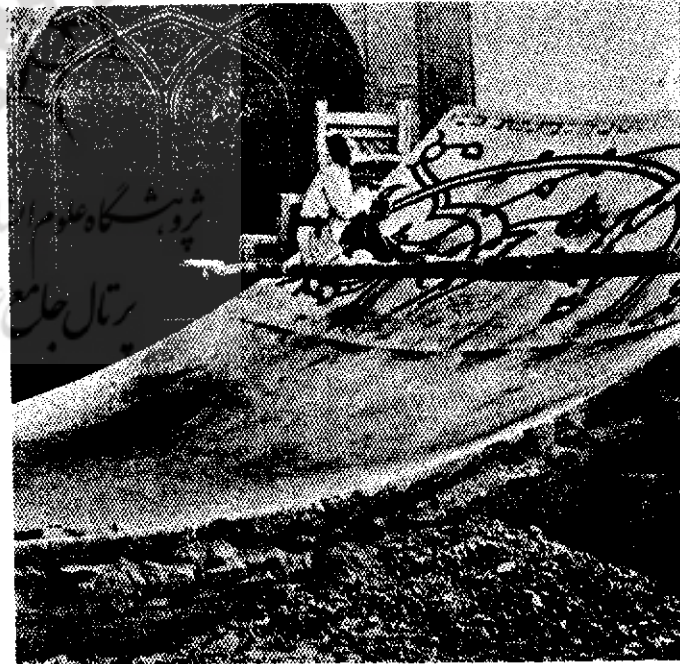
طرحهای اسلیمی علاوه بر اینکه بر پایه

هندسی و ریاضی استوار هستند، از طرف دیگر بر پایه ژرف نگری در رموز طبیعت تکیه دارند و همانطور که اشاره شد حرکات منحنی های اسلیمی منتج از شکل گل و بته ساقه و برگ گیاهان است و یادآور فصل بهار یا فصل رویش است. انرژی اشکال و خطوط نه تنها در سطح دو بعدی به جنبش لایزال خود ادامه می دهند بلکه به علت تغییر پلان یا درزیر و رو قرار گرفتن اشکال بُعد سومی نیز دارند که طرز رنگ آمیزی به زنده کردن آن کمک می کند.

در کارهای ادبی مثل شعر، هر کلمه به کلمه دیگر می چسبد و خواننده شعر با دنبال کردن کلمات و ابیات با صرف «وقت» به طرز تفکر شاعر و احساسات او پی می برد. موسیقی نیز مثل ادبیات و شعر به «زمان» احتیاج دارد یعنی برای گوش دادن آن مدتی باید نشست و گوش داد. ولی نقاشی و طراحی ثابت هستند و هر چه هست در روبروی تماشاگر قرار می گیرد.

برای زنده کردن سطح دو بعدی ساکن با کنترل عناصر بصری چون خط، سطح و شکل و کیفیات عناصر بصری چون: ترکیب، تضاد، هماهنگی زمان را می توان تداعی کرد و ایجاد نوعی حرکت در سطح دو بعدی نمود.

بعضی از محققان طرحهای اسلیمی را چون شعر یا اصوات موسیقی برانگیزنده حال و نوازش گر روح عارفانه انسان می دانند و اشکال موزون یا ریتمیک اسلیمی که با حرکات مار پیچ و دورانی خود نگاه بیننده را در سطح از نقطه شروع اسلیمی به نقطه دیگر که انتهای آن باشد می رساند. در آنجا شروع دیگری است و حرکتی دیگر و این عمل در سطح بی نهایت تکرار



— طرح و اجرای نقوش اسلیمی در کاشی سازی

می شود و تقارن این حرکات به وضع پایدار و ثابتی که ترکیب طرح دارد کمک می کند. عده ای را عقیده بر این است که «وحدت در کثرت» یا «کثرت در وحدت» به این وسیله نشان داده شده است، هر اسلیمی یا ختائی تنها خودرانی نمایاند بلکه با نظمی بسیار محکم، در عین استقلال صورت جزئی از کل طرح است^{۳۶} و شاید بتوان این معنی را به این صورت در منطق الطیر دید:

چون نگه کردند آن سی مرغ زود
بی شک آن سیمرخ این سی مرغ بود
در تحیر جمله سرگردان شدند
می ندانستند این یا آن شدند
خویش را دیدند سیمرخ تمام
بود خود سی مرغ در آن جایگاه
وربه سوی خویش کردند نظر
بود این سیمرخ ایشان آن دگر
ورنظر در هر دو کردند به هم
هر دو یک سیمرخ بودی بیش و کم
بود این یک آن و آن یک بود این
در همه عالم کسی نشنود این
چون ندانستند هیچ از هیچ حال
بی زبان کردند از آن حضرت سؤال^{۳۷}

برخی دیگر تلویح یعنی حال و گذر از حالی به حال دیگر را در گردش موزون دوایر اسلیمی، مار پیچی و گردش های چپ و راست آن دیده اند و تمکین و ثابیت قدم بودن عارف را در حالت تقارن و روبروی هم قرار گرفتن ترکیب اسلیمی ها میدانند^{۳۸}

انواع اسلیمی

اسلیمی به دو قسمت نامساوی که به دو جهت مختلف چپ و راست چرخیده اند و شبیه به

شیپور یا دهان باز شده اژدهاست منتهی می شود. جهت این دو قسمت منحنی ها یا شاخه ها، اندازه آنها و تزئینات الحاق شده به آنها به طور کلی باعث به وجود آمدن دو نوع اسلیمی می شود. بعضی دارای بدنی باله بیرونی صاف و بدون تزئین هستند و برخی دیگر دارای تزئینات و ملحقیات زیاد به صورت برگهای ریز، گلهای کوچک و بزرگ و زوائد فراوان می باشند. گاه این تفصیل در تزئین و اغراق در اضافات شکل اسلیمی را به صورت عجیبی تغییر داده حالت ساده و سیال را از آن می گیرد.

در اواسط دوران صفوی شکلهای اسلیمی به شادمانه ترین وجه خود چون موشکی که به فضا پرتاب می شود^{۳۹} در زمینه قالی یا کاشی یا در حاشیه کتابها و کتیبه ها ظاهر می شوند. به طور کلی حرکات آنها شبیه جهیدن، غلتیدن و پرت شدن می باشند و نگاه بیننده را همراه خود به تمام این حرکات موزون و زیبا جلب می کند.

تقسیم بندی اسلیمی از روی شکل ظاهری آنهاست. از همه معمول تر، اسلیمی دهن آژدری است که در انتهای آن اسلیمی چون دهان اژدهائی باز شده است و معمولاً یک قسمت بزرگتر و قسمت دیگر کوچکتر است. اگر این عدم تقارن زیاد باشد و یکی از لبه ها کشیدگی زیاد شبیه به خرطوم فیل داشته باشد آن را اسلیمی خرطومی یا خرطوم فیلی می نامند که گاه به صورت دو سر نیز دیده می شود.

اسلیمی دیگر که شبیه به حرکات پیچ و خم دار بدن مار است بنام اسلیمی ماری نامیده شده و به صورت منفرد در سطح تزئین شده خودنمایی می کند.



— نقوش اسلیمی (در حاشیه و وسط) قالیچه مخصوص نماز اواخر قرن یازدهم هجری مجموعه خصوصی در اروپا



— نقوش اسلیمی . شمعدان برنجی — قرن یازدهم هجری — موزه هنرهای شهر سن لوئیز امریکا.

پیچک ساقه مو جهت معینی ندارد گاهی به چپ می پیچد و گاه به راست. در درخت «ساغو» که یک نوع درخت خرمای هندی است انتهای برگهای سمت راست به سمت چپ و برگهای سمت چپ به سمت راست چرخش محوری دارند.

به طور کلی در طبیعت حرکت موافق عقربه های ساعت (از راست به چپ) خیلی بیشتر از حرکات خلاف حرکت عقربه های ساعت (از چپ به راست) است. طرز نوشتن خطوط اسلامی (خط نسخ - خط نستعلیق - خط کوفی و...) همه از راست به چپ است. جهت چرخش نوشته ها در نامه ها و کتابهای دستنویس شده از راست به چپ و از پائین به بالا است. ولی حرکت اسلیمی ها از انواع تقارن پیچش پیروی می کنند. این تقارن یا قرینه سازی به ترکیب توازن و وقار و ثبات خاصی می دهد و چشم بیننده در مقابل هر حرکت مار پیچی از راست به چپ حرکت متقارن از چپ به راست را می بیند. قرینه ها در طبیعت گیاهان و حیوانات بسیار دیده می شوند و انواع و اقسام دارند:

تقارن مکرر

تکرار اسلیمی یا نقش دیگر در سطح قالی یا کاشیکاری ایجاد تقارن مکرر می کند. تکرار کلمه الله اکبر به خط کوفی در حاشیه پرچم جمهوری اسلامی ایران نوعی تقارن مکرر به وجود می آورد. این قرینه ها قابلیت انطباق بر یکدیگر را دارند.

تقارن آینه ای یا معکوس

نقش اول چون تصویر شکل دوم در آئینه است یعنی سمت راست شکل اول مثل سمت

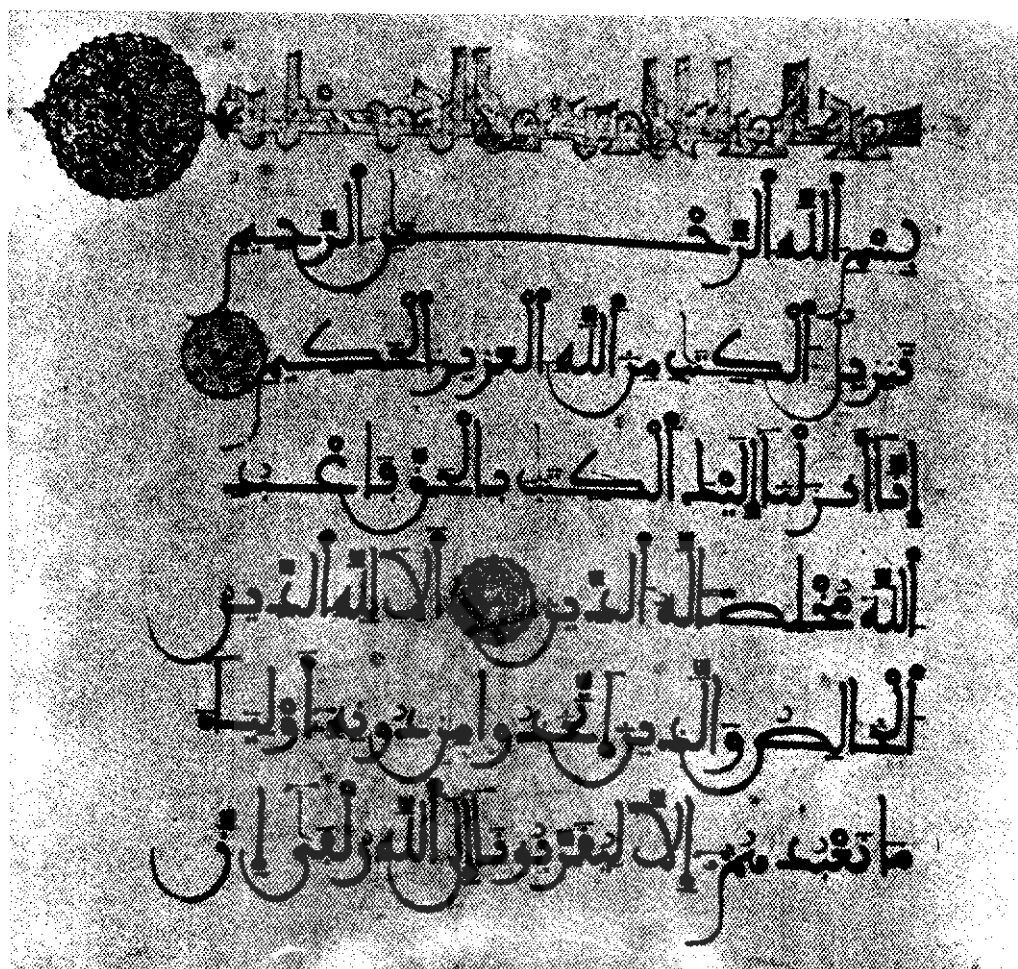
اگر حرکات پیچ و خم دار اسلیمی ماری ادامه دار باشد آن را اسلیمی طوماری می نامند و معمولاً در سمت چپ و راست از بند اسلیمی، سرهای مختلف اسلیمی نشان داده می شوند. اسلیمی طوماری در حاشیه یا متن کتیبه ها، کتابها و در حاشیه قالیها به کار می رود.

اسلیمی در طبیعت

همانطور که قبلاً اشاره شد اشکال اسلامی که در قالیها و کاشیکاریها دیده می شوند، از طبیعت، ساقه گیاهان، شکل و وضع گلها و جوانه ها، شکوفه ها و برگها الهام گرفته شده و پس از قرنها تکرار توسط نسلهای متمادی هنرمندان و صنعتگران به دوران ما رسیده است. هنرمندان معاصر این نقوش را با مهارت خاص در انواع هنرها و صنایع دستی به کار می برند ولی معنی و مفهوم این زبان بین المللی اسلامی محتاج به مطالعه و پژوهش بیشتری دارد.

در گیاهان رویش و پیچش از قواعد ازلی و ابدی پیروی می کنند و در هر نوع گیاه این قواعد مخصوص به خود آن گیاه است. یکی از اختصاصات عمده اسلیمی پیچش آن است که همانطور که گفته شد به وجود آورنده نوعی حرکت مجازی در سطح قالی یا کاشی است. این پیچش با الهام از پیچش و حرکت گیاهان به بهترین وضع نشان داده می شود.

پیچش ساقه گیاهان به دو صورت است؛ برخی از گیاهان مثل نیلوفر از چپ به راست (برخلاف جهت چرخش عقربه های ساعت) پیچیده و به عکس غنچه نیلوفر دارای گلبرگهای پیوسته ای است که از راست به چپ پیچیده اند. پیچ امین الدوله از راست به چپ می پیچد و

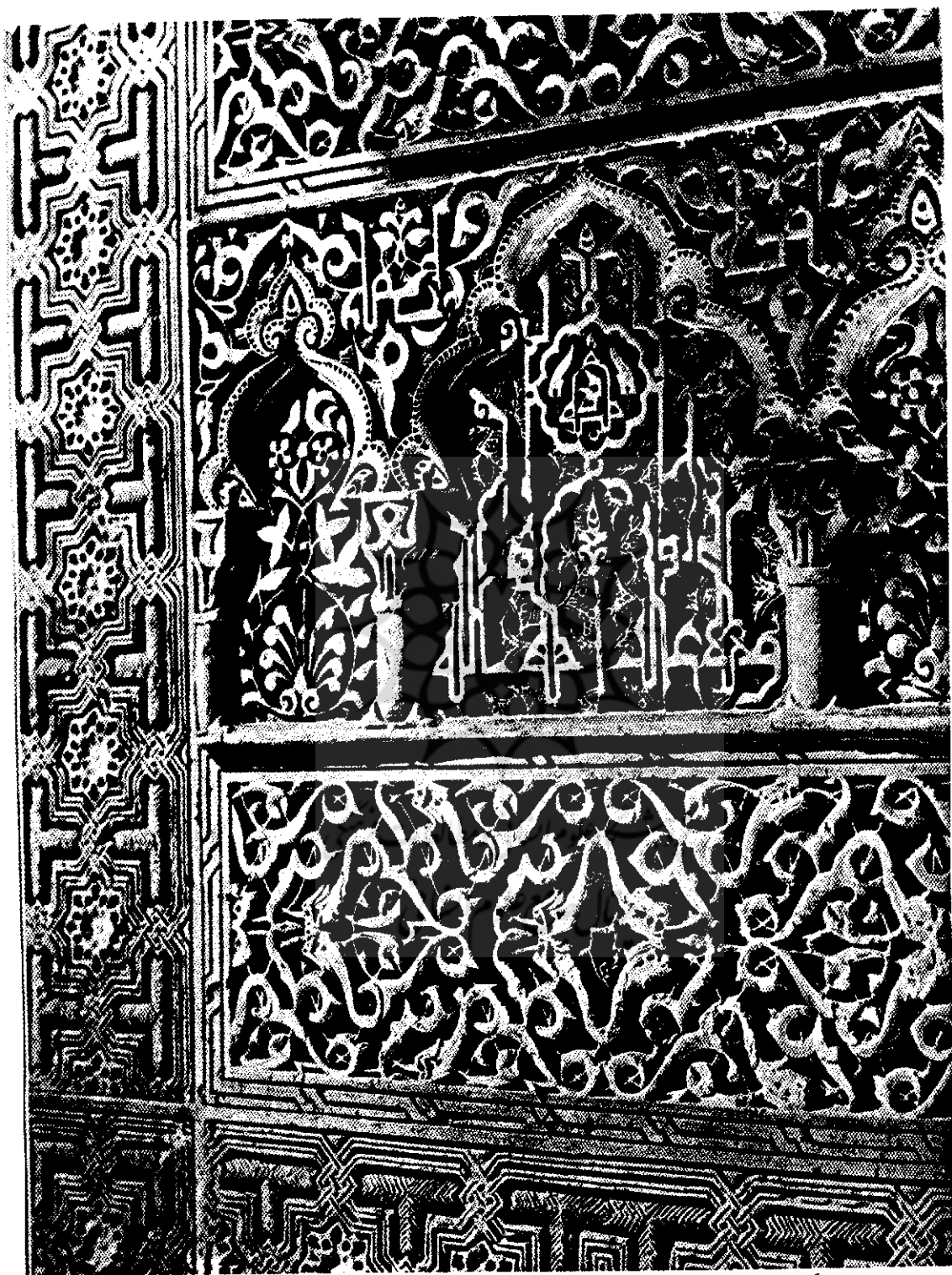


نقوش اسلیمی در سوره قرآن مجید قرن ششم هجری، مراکش موزه مترو پوینت نیویورک

قرینه آئینه‌ای در دوقلوهای به هم چسبیده یا به اصطلاح دوقلوهای سیامی دیده می‌شود. تمام اعضای این دوقلوها قرینه یا عکس دیگری است. مثلاً اگر یکی چپ دست است دیگری راست دست می‌شود. اگر قلب یکی در سمت چپ قفسه سینه قرار دارد قلب دیگری در سمت راست بدن قرار دارد.

بلور شکر نیز به صورت قرینه آینه‌ای است. شکر سمت چپ که لوولز است و شکر سمت راست دگستروز است و با کتری هائی هستند که به

چپ شکل دوم است. مثل دو کف دست انسان در اسلیمی های زمینه قالیها، اسلیمی های گنبد ها و سردر مساجد و سوره های قرآن مجید این نوع تقارن اسلیمی فراوان دیده می شود. هنرمند پس از طراحی اسلیمی اول با مداد یا ذغال نرم قسمت مقابل کاغذ را از مرز تماس دو اسلیمی تا می زند و روی آن را با مداد با دست یا ناخن می مالد. به این ترتیب جزئیات اسلیمی به طور معکوس به قسمت دیگر کاغذ منتقل می شود. این تقارن در برگهای تقارن نعنای دیده می شود.



نقوش اسلامی کج بری در قصر الحمراء، غرناطه اسپانیا

شکر حمله می کنند و از آن استفاده غذایی می برند. این باکتری ها نیز به دو قسمت تقسیم می شوند: باکتری هایی که قسمت چپ شکر را می خورند و باکتری هایی که از قسمت راست آن تغذیه می کنند.

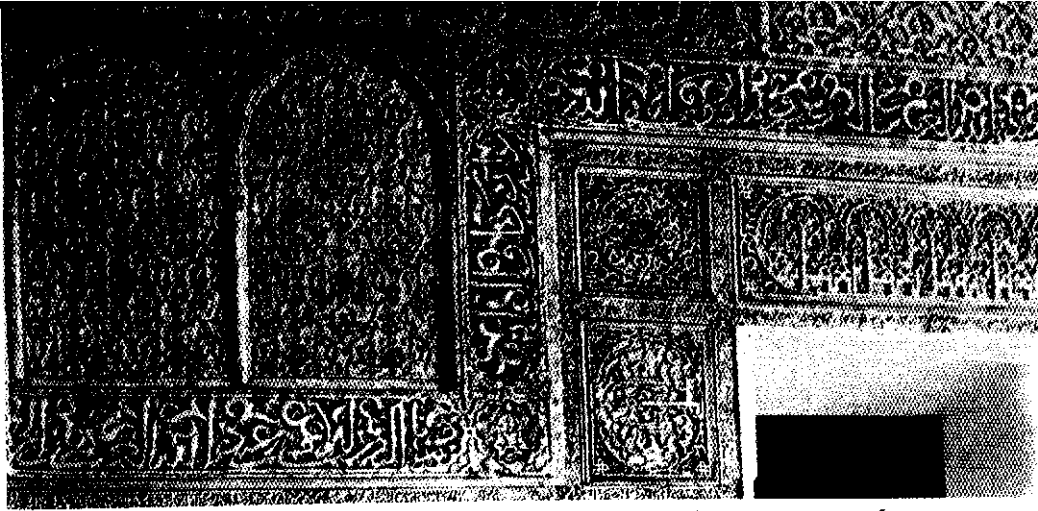
فیزیک نونشان داده است که هر قسمت اتم یک دوقلوی قرینه ای است که اولی از نظریات الکتریکی و سایر اختصاصات «نقطه مقابل» دومی است. نوترون در قسمت مرکزی خود قرینه ای دارد که به آنتی نوترون مشهور است. پس می توان نظر داد که عناصر قرینه و گاه ضد

یکدیگر در حقیقت می توانند اتم، شیئی، دنیا و زندگی قرینه، مکمل و یا ضد یکدیگر به وجود آورند.

مولف کتاب «نقش در طبیعت» از خود می پرسد که تمام این قرینه های ذرات اشیاء و موجودات عالم به کجا رفته اند؟ مسلم آنها با ما در روی زمین زندگی نمی کنند. چون جمع این اضداد باعث خود آنهاست. آیا این ضد ذرات و تمام اضداد، خود کهکشانشان و ستارگان و عالم دیگری به وجود نیاورده اند؟...

در سوره مبارکه یس (ص) آمده است:





انواع نقوش اسلیمی. گچ بری در تلمسن. مسجد العباد. الجزیره

مقارن در حاشیه قالیها و کاشیها، کتیبه ها و کارهای هنری دیگری استفاده می شود.

تقارن شعاعی

در این نوع تقارن، شکل اسلیمی، از یک سر ثابت به مرکز دایره و از سر دیگر به روی محیط دایره چرخیده و تکرار شده است. از این نوع تقارن نقوش جدید به وجود می آیند که در بعضی ترنج سازی وسط زمینه یا در ساختن گلگهای حاشیه به کار آمده است. این نوع تقارن در طبیعت فراوان است مثلاً در وضع کاسبرگها و گلبرگهای گل گیلاس دیده می شود.

تقارن مرکزی

در این نوع تقارن اشکال اسلیمی مکرر در روی دوایر متحدالمرکز قرار دارند. ممکن است فواصل این دوایر با یکدیگر دور و نزدیک باشد. این نوع تقارن بیشتر در نقش کاشیهای گنبد و یا پوشش درونی آن و در بعضی از قالیها دیده می شود. در طبیعت این نوع تقارن را در آرایش گلگهای آفتابگردان می بینیم.

به طور خلاصه باید گفت که نقوش اسلیمی چه از نظر شکل و چه از نظر ترکیب از شکل به هم بافته شاخ و برگ و گل گیاهان الهام گرفته شده است و چون سایر نقوش باستانی معنی و مفهوم خاص مذهبی خود را داشته است.

«سبحان الذی خلق الأزواج کُلَّها مما تنبت الارض و من انفسهم و مما لایعلمون» [منزه است آنکه آفرید همگی جفت ها (قرینه ها) را از آنچه می رویاند زمین و از خود ایشان و از آنچه نمی داند] در هنر اسلامی این نوع قرینه سازی در تمام هنرها وجود دارد. در معماری علاوه بر قرینه سازی در حجم ها و تزئینات - استخر یا حوض بزرگ آب در جلوی بنا - انعکاس آئینه ای، مجازی و معکوس در آب به وجود می آورد.

کیت آلبارن^{۴۰} و سایرین آن را نشانه ای از بی ثباتی دنیا می پندارند و این عمل را نمادی از دنیای دیگر می پندارند و به این ترتیب این دنیا و عالم دیگر را مجسم شده می بینند.

در نقوش اسلیمی تقارن آئینه ای در چپ و راست، بالا و پائین دیده می شود.

تقارن یک در میان

در این نوع تقارن، اسلیمی یکبار به چپ و یکبار به راست می چرخد (مثل اسلیمی طوماری) در نتیجه هر اسلیمی به صورت یک در میان با اسلیمی بعدی تقارن مکرر دارد و یا هر اسلیمی با اسلیمی بعدی که در یک امتداد قرار دارند تقارن آئینه ای دارد. در طبیعت این نوع تقارن در برگهای یاس دیده می شود. از این نوع اسلیمی

- ۱- آرابسک Arabesque از ریشه آرابسکو ایتالیائی Arabesco که آن از اسم عرب (آرابو Arabo یا عرب) گرفته شده است. معنی لغوی آرابسک، عربی یا عرب مانند است.
- ۲- خرما (نخل) سوره ۵۵ آیه های ۱۰ و ۱۱ قرآن کریم. «وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ. فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ» و زمین را برای آدمیان نهاد که در آن میوه و نخل غلافدار هستند.
- ۳- انگور (عنب) سوره ۱۷ آیه ۹۰ قرآن کریم: «وَأَوْتُوا لِكُلِّ جَنَّةٍ مِنْ تَحْتِهَا فُتُوحَاتٌ الْأَنْهَارِ خَالِئَاتُهَا تَفْجِيرًا» یا باغی از نخل ها و تاکها داشته باشی که در میان آن جویها بشکافی، شکافتن کامل.
- ۴- انار... سوره ۵۶ آیه ۶۸. «فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَرُومَانٌ» و در آن دو (باغ بهشتی) میوه است و خرما و انار.
- ۵- لوتوس Lotus گل نیلوفر آبی به رنگ صورتی و آبی کم رنگ به صورت خودر در مردابهای مصر باستان- ایران و هند باستان می روئیده است. این گل نشانه یا نماد رویش و زایش بوده است و در کارهای هنری این کشورهای باستانی از شکل آن از پهلویا از نمای بالا در معماری و تزئین آن- در نقش پارچه و جواهرسازی استفاده می کردند. در دوره امپراطوری قدیم و امپراطوری میانه مصر سرستون های ساختمانها و معابد از غنچه یا گل نیمه باز نیلوفر آبی بوده است. در هندوستان این گل نشانه شخصی بودا در ابتدای گسترش بودیسم در کشورهای آسیائی بوده است. در حجاریهای تخت جمشید در ایران گل نیلوفر آبی در حاشیه های ایوانها و دیوار جانبی پله ها به صورت متواتر از نیمرخ و نیمه باز دیده می شود. در دوره ساسانی از این گل در تزئینات بنا و نقوش پارچه، در کارهای فلزی چه از نیمرخ و چه از بالا (تمام رخ) چه به صورت غنچه و چه باز شده به کار رفته است. عقیده پرفسور پوپ بر این است
- که در هیچ جای دنیا گل آلاله آبی به اندازه ایران همگانی و معمولی نشده است.
- ۶- Sir Thomas Arnold, Painting
In Islam, New York, 1965, P. 35
- ۷- Keith Albarnd Others, The -
Language of Pattern, New York
1971, P. 36
- ۸- عصام السعید و آسیه پرمان. مفاهیم هندسه در هنرهای اسلامی، ترجمه دکتر هادی هزاره ای صفحه ۲
- ۹- عبدالکریم رفیعی، استاد نقش قالی، مجله نقش و نگار. شماره اول- بهار ۱۳۳۴.
- ۱۰- قاضی میراحمد منشی قمی- گلستان هنر- انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ صفحه ۱۲۹.
- ۱۱- Encyclopedia Britannica Vol. I
London 1974, P. 467
- ۱۲- جولسورومانو Giulio Romano (۱۵۴۶-۱۶۱۹ میلادی) نقاش، معمار و تزئین کار ایتالیائی، آزادی و خشونت کار او بعدها توسط هنرمندان مَنیرِست Mannerist مورد استفاده قرار گرفته است.
- ۱۳- رفائیل Raffaello Sanzio, Raffael (۱۴۸۳-۱۵۲۰ میلادی) استاد سبک کلاسیک ایتالیائی و نقاش و معمار بزرگ و ایتیکان و هنرمندی است که قدرت و روشنی و شیرینی سبک او

در زمینه هنری را تحت تاثیر قرار داد.

۱۴- باروک Baroque از ریشه پرتغالی Barocco به معنی (مایل-گرد) به ضد ایده آلهای کلاسیک:

دوره ای از فرهنگ غرب است که در آن ارزشهای کلاسیک دوره رنسانس نفی شده است. رسبک باروک تاکید بیشتر روی نور و سایه و خطوط منحنی است نه روی فرم خط مستقیم. در این دوره مرز بین نقاشی، مجسمه سازی و معماری از بین رفت و هنرمند از تمام مواد اولیه مثل سنگ و روغن و فلز در ایجاد اثر هنری سود می جست مرز بین حقیقت و ابهام از بین رفت. هماهنگی بین تمام عناصر تشکیل دهنده اثر هنری از اختصاصات عمده آن است. از نقاشان رامبراند Rembrandt و روبنس Rubens، کسار او اوجو Caravaggio و از مجسمه سازان برنینی Bernini و آسام Asam و دونر Donner را می توان نام برد.

۱۵- پمپئی Pompeii. شهری که در جنوب غربی ایتالیا کنار رودخانه سارانو Sarano و در نزدیکی (۲ کیلومتری) دریا ساخته شده بود. در روز ۲۴ اوت سال ۷۹ میلادی در اثر آتشفشانی کوه «وزو ویوس» Vesuvius با سنگها و خاکستر آتشفشان بکلی پوشیده شد. امروز قسمتهای مهم این شهر از زیر خاک و سنگ خارج شده است.

۱۶- کاخ عبدالرحمن سوم در مدینه الزهرا که در سال ۹۳۶ میلادی (۳۲۵ هجری) شروع به ساختن آن شده بود کاخ و شهر بکلی خراب شد و مسجد جامع قرطبه Cordova که از بزرگترین مساجد جامعه آن روز بود به کلیسا تبدیل شد. این کلیسا هنوز در کوردوا یا برجاست. قلعه الکازار Alcazar (قصر) بکلی با خاک یکسان شد و ساختمانها و مساجد شهرهای تولدو Toledo و Seville و سایر شهرهای اسپانیا ویران گشت.

۱۷- قصر الحمراء در غرناطه - Granada Al-Hamra یا کاخ سرخ در زمان سلسله بنی

نصر برفراز سنگهای اطراف شهر غرناطه ساخته شده است. حجاریها، گچ بریها، کاشیکاریها و بالاتر از همه معماری این قصر از زیباییهای ویژه ای برخوردار است و امروز از مهمترین نقاط دیدنی کشور اسپانیا است.

۱۸- سویل Seville در غرب ایالت اندلس است. بر مسجد جامع شهر سویل در زمان امویان مناره بزرگی افزوده شد که مسیحیان به آن برج گرالدا Gralda لقب داده بودند. این مناره با آجر و با پلان مربع ساخته شده بود. مسیحیان مسجد را خراب و به جای آن کلیسایی با سبک گوتیک ساختند و برفراز مناره قبه ای با صلیب قرار دادند.

۱۹- ریشه این نقوش از ایران، هند و مصر باستان است. از زمان صفویه به این نام نامیده شده اند.

۲۰- مقصود نقش ابراست که به عقیده بعضی از نقاشی چین الهام گرفته است.

۲۱- واق، اصطلاح بیشه و جنگل، نام درخت و پرنده ای است.

۲۲- رک شماره ۱۱

۲۳-

A.U. POP, A. Survey Of Persian Art, Japan 1976, P. 318

۲۴- مجله فصلنامه هنر، شماره دوم، زمستان ۱۳۶۲- صفحه ۷۳

۲۵-

Kieth Albarb And Others, The Language of Pattern, New York

1971, P. 78

۲۶- واسیلی کاندینسکی Wassily Kandinsky نقاش، مجسمه ساز و منتقد روسی الاصل که از نقاشی تصویری ابا کرده و به نقاشی تجریدی یا آبستره روی آورد. در مدرسه هنری باهاوس Bauhaus در آلمان تدریس می کرد.

۲۷- Contrast

رنگی (نقطه چین) کار می کرد. سبک او را پوانتالیسم می نامند و نوعی سبک «بعد از امپرسیونیسم» یا Post Impressionism است.

۳۵- باهاوس Bauhaus مدرسه آلمانی برای دبیزاین (طراحی و طراحی صنعتی) توسط معمار و طراح مشهور «والتر گرو پیوس» در وایمار Weimar آلمان در سال ۱۹۱۹ میلادی بنیانگذاری شد- هدف این مدرسه دوباره سازی جامعه با تجدید نظر در ساختمان محیط زیست انسان بود. معماران، هنرمندان و طراحان صنعتی زیادی توسط این مدرسه هنری تربیت شدند. هدف دیگر باهاوس- ترکیب علم و هنر و تکنولوژی بود. سبک هنرکار بردی Functional Art و سبک بین المللی International Style را مدرسین و محصلین این مدرسه به وجود آوردند.

-۳۶

Titus Burkhardt, Art Of Islam

Language And Meaning, London, 1976. P. II7

۳۷- شیخ فرید الدین عطار نیشابوری، منطق الطیر- تهران ۱۳۵۳- صفحه ۲۷۵

-۳۸

Laleh Bakhtiar, Sufi Expressions Of The Mystic Quest, London, P. 98

-۳۹

A.U. POPE, A Survey Of Persian Art, Vol. 6 P. 2319

-۴۰

Kieth Albar And Others, The Language Of Pattern, New York 1971

Sergei Mikhailovich Eisenstein

(۱۸۹۸-۱۹۴۸) کارگردان بزرگ سینمای روسیه

۲۹- Gestalt نامی است آلمانی به معنی شکل یا فرم- در سال ۱۸۹۰ این عقیده روانشناسی توسط کریستیان ارن- فلز Christian Von Ehrenfels توسعه یافت. بر مبنای این عقیده درک بصری و بیان تصویری بر قوانین ترکیب و نظم عناصر تصویری در اشیاء استوار است. امروزه رادلف آرنهیم Radolf Arnheim آمریکائی از پیشروان این عقیده است.

-۳۰

Essam-El-Said And Asieh -

Perman Geometric Concept In

Islamic Art London 1976

-۳۱

Michael Holt, Mathematics In Art London 1967, P. 61

۳۲- لئوناردو داوینچی Leonardo Da Vinci نابغه ایتالیائی که نقاش، معمار،

مجسمه ساز، مهندس و عالم زمان خود بود. یادداشت‌های او که باقیمانده است شامل هر نوع تجربه علمی در طبیعت و هنرها می باشند. اثر نقاشی او که مشهورترین اثر دنیاست، لیخند ژوکوند یا مونالیزا نام دارد و در موزه لوور محفوظ است.

۳۳- لوکور بوزیه Le Corbusier معمار، مجسمه ساز و نقاش و منتقد هنری اهل سویس که اسم اصلی او «چارلز ادوارد جین رت گری» است و عقیده داشت معماری خانه های مدرن باید چون «ماشین هائی برای زندگی» باشد. در معماری پیرو «سبک بین المللی» International Style و در نقاشی به کوبیسم Cubisme تمایل داشت.

۳۴- جورج سورا نقاش فرانسوی که با نقطه های